

دکتر رابرت سی. نیومن، انجیل‌های هم‌نوا، سخنرانی ۵ ویژگی‌های کتاب

رابرت نیومن و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

ما در اینجا دوره آموزشی انجیل‌های هم‌نوا را ادامه می‌دهیم. تاکنون، به بخش ۱، عیسی تاریخی؛ بخش ۲، پیشینه یهودی عهد جدید؛ بخش ۳، مقدمه‌ای بر تفسیر و مطالبی در مورد ژانر روایی؛ و سپس نگاهی به متی ملاقات با خردمندان، پرداخته‌ایم. و سپس، دفعه قبل، بخش ۴، نویسنده و تاریخ انجیل‌های هم‌نوا را، شروع کردیم.

در واقع، ما به موضوع نویسنده و تاریخ انجیل‌های هم‌نوا پرداختیم، اما من یک بخش نسبتاً طولانی هم در مورد ویژگی‌های انجیل‌های هم‌نوا دارم. بنابراین، فعلاً می‌خواهیم به همین موضوع بپردازیم. ویژگی‌های انجیل‌های هم‌نوا، و ما آنها را مانند قبل انجام خواهیم داد.

ویژگی‌های متی، ویژگی‌های مرقس، ویژگی‌های لوقا. خوب، ویژگی‌های متی. بیایید کمی در مورد متی، نویسنده، فکر کنیم.

و پاسخ این است که ما چیز زیادی در مورد او نمی‌دانیم. نام او هفت بار در چهار کتاب مختلف عهد جدید ذکر شده است، اما این موارد فقط شامل دو مورد می‌شود - یکی، تغییر دین او و دوم، فهرست رسولان.

همانطور که در فهرست رسولان در مرقس ۲:۱۴، لاوی حلفی نامیده شده است، بنابراین ممکن است پسر حلفی و برادر یعقوب کوچک بوده باشد. یعقوب در متی ۱۰:۳، مرقس ۳:۱۸، لوقا ۶:۱۵ و اعمال رسولان، به عنوان پسر حلفی ذکر شده است. روایتی از گرویدن او به مسیحیت در متی ۹:۹، مرقس ۲:۱۴ ۱:۱۳ لوقا ۵:۲۷ و ۲۹ وجود دارد. متی یک باجگیر بود و پس از گرویدنش، برای دوستان قدیمی خود شامی ترتیب داد تا آنها بتوانند با عیسی ملاقات کنند. بنابراین، تصویر جالبی از آنچه فکر می‌کنم مؤمنان باید به نوعی هنگام روی آوردن به مسیح انجام دهند، ارائه می‌دهد.

و این نکته در اینجا قابل توجه است. فهرست حواریون در متی ۱۰:۳ تنها فهرستی است که از اصطلاحات عمومی و باجگیر استفاده می‌کند. سه فهرست دیگر، مرقس ۳:۱۸، لوقا ۶:۱۵ و اعمال رسولان ۱:۱۳، فقط او را فهرست می‌کنند.

در این چهار فهرست، حواریون گاهی اوقات در ترتیب‌های کمی متفاوت قرار دارند، اما همیشه در سه گروه چهارتایی گروه‌بندی شده‌اند و هرگز بین گروه‌ها با هم مخلوط نشده‌اند. ما اهمیت این را نمی‌دانیم، اما به هر حال اینطور به نظر می‌رسد. متی همیشه در گروه دوم به عنوان شاگرد ۷ یا ۸ قرار دارد، یعنی به عنوان آخرین یا یکی مانده به آخر در گروه دوم.

اساساً این چیزی است که ما در مورد متی می‌دانیم. بدیهی است که برخی روایات و از این قبیل وجود دارد، اما از آنها صرف نظر می‌کنیم. مخاطب اصلی متی، تأکید بر مسیحایی بودن در متی، مطمئناً برای یهودیان مناسب‌تر است، و شما به سرعت در کلیسای غیریهودی متوجه می‌شوید که مسیح تقریباً به نوعی به نام خانوادگی عیسی، عیسی مسیح، تبدیل می‌شود، نه به عنوان او، که هر یک از یهودیان متوجه می‌شدند که این فقط ترجمه یونانی مسیح، اگر دوست دارید، مسح شده است.

انجیل متی تمایل دارد به جای توضیح آداب و رسوم یهودیان، فرض را بر آگاهی از آنها بگذارد. برای مثال مرقس تمایل دارد آنها را توضیح دهد و این دوباره نشان می‌دهد که خوانندگان اصلی او یهودیان و مسیحیان

یهودی‌نژاد هستند. بنابراین، در متی ۱۵:۲، سنت بزرگان در مورد شستن دست‌ها را داریم؛ مرقس سه یا چهار آیه توضیح می‌دهد، اما متی این کار را نمی‌کند.

و سپس در متی ۲۳:۵، نویسنده انجیل می‌گوید، آنها نشان‌های خود را پهن‌تر و منگوله‌ها را بلندتر می‌کنند لازم می‌داند که این را بسط دهد تا خوانندگان غیریهودی قرن بیستم و بیست و یکم بتوانند آن NASB حتی را درک کنند، و بنابراین یک پرانتز اضافه می‌کنند، منگوله‌ها را بلندتر می‌کنند، پرانتز لباس‌هایشان را پرانتز می‌کنند و پرانتز را از آن جدا می‌کنند. خوب، برای نشان دادن تقوای خود، برخی از فریسیان نشان‌های بزرگتر و منگوله‌های بلندتری نسبت به افراد معمولی می‌پوشیدند.

یادم می‌آید که در اسرائیل با یک یهودی ارتدکس آشنا شدم، و آن شخص این منگوله‌ها را از کمر بندش آویزان کرده بود و غیره. بنابراین، این رسم هنوز هم در برخی از محافل یهودی ارتدکس رواج دارد. در متی کاتبان و فریسیان مانند مقبره‌های سفیدکاری شده توصیف شده‌اند، ۲۷-۲۳.

و البته یهودیان این توهم را تشخیص می‌دادند، زیرا آنها مقبره‌ها را سفید می‌کردند تا از تماس تصادفی مردم با آنها و در نتیجه نجس شدن جلوگیری کنند، به خصوص درست قبل از یک جشنواره. اگر این کار را در طول سال انجام می‌دادند، خیلی مهم نبود. بنابراین، آنها تمایل داشتند مقبره‌ها را درست قبل از جشنواره‌ها سفید کنند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که متی برای یهودیان و مسیحیان یهودی‌نژاد می‌نویسد - هدف و ساختار انجیل متی در انجیل خود هیچ بیان مستقیمی از هدف خود ارائه نمی‌دهد، بنابراین می‌توانیم با نگاه به محتوای انجیل، هدف را استنباط کنیم.

محتوا نشان می‌دهد که هدف متی نشان دادن عیسی به عنوان مسیح موعود است که پیشگویی‌های عهد عتیق را محقق کرده است. متی نسبت به سایر نویسندگان انجیل، پیشگویی‌های بیشتر و متنوع‌تری را ذکر می‌کند. همچنین، فکر می‌کنم متی ظاهر می‌شود تا شباهت ظریفی بین خدمت عیسی و تاریخ اسرائیل ایجاد کند.

پیشگویی هوشع ۱:۱، «پسرم را از مصر فراخوانده‌ام» که در هوشع آمده، در مورد اسرائیل، مانند آنچه متی می‌گوید، صدق می‌کند و در اینجا با عیسی نیز مشابهت دارد. استفاده عیسی از کتاب مقدس در وسوسه، جایی که او در بیابان روزه می‌گیرد، و پاسخ‌های او به شیطان، همگی از اسرائیل و متون بیابان گرفته شده‌اند. راه دیگر برای فهمیدن آنچه متی انجام می‌دهد، جستجوی شواهد درونی ساختار است.

به طور کلی، وقتی با نویسندگان کتاب مقدس و به همین ترتیب با نویسندگان دیگر کار می‌کنیم، باید سعی کنیم بفهمیم که اگر نویسنده طرح کلی مطالب خود را به ما ارائه می‌داد، چگونه آن را ترسیم می‌کرد. و بنابراین، چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم، به جای اینکه حدس‌های خودسرانه بزنیم؟ این کار به ما دید دقیق‌تری از ساختار کتاب می‌دهد.

خب، دو متن احتمالی وجود دارد که شبیه متون انتقالی در متی هستند. هر دو با یک عبارت شروع می‌شوند. بعد از آن، عیسی چیز دیگری را شروع کرد. یکی در متی ۴:۱۷ است. بعد از آن، عیسی شروع به موعظه کرد.

اگر به محتوای انجیل نگاه کنید، می‌بینید که این انجیل، خدمت عیسی به جمعیت را آغاز می‌کند. پیش از آن، ما به شجره‌نامه و روایات تولد و وسوسه عیسی در بیابان نگاه می‌کردیم و اکنون این انجیل، خدمت به جمعیت را آغاز می‌کند. بنابراین، از روایات مقدماتی به اعلام عمومی انجیل توسط عیسی می‌رسیم.

سپس، در ادامه، در متی ۱۶:۲۱، عیسی شروع به نشان دادن به شاگردانش می‌کند. و این آغاز چیزی است که عموماً خدمت خصوصی عیسی به شاگردان نامیده می‌شود، و به نوعی، بقیه کتاب را ترسیم می‌کند. او قرار است به شاگردانش نشان دهد که باید رنج بکشد، کشته شود و دوباره برخیزد.

بنابراین، با این دو متن انتقالی، این انجیل را به سه بخش تقسیم می‌کنیم. مطالب مقدماتی، اعلام عمومی انجیل توسط عیسی، و سپس در بخش دیگر، اگر مایل باشید، در انتهای متن، خدمت خصوصی عیسی به شاگردانش، رنج و مرگ و رستاخیز او. در انجیل متی تعدادی گفتمان وجود دارد، و تعداد آنها بیشتر و طولانی‌تر از لوقا و مرقس است.

انجیل مرقس، به جز خطابه در زیتون، فقط مطالب بسیار کوتاهی دارد. معمولاً پنج خطابه در انجیل متی دیده می‌شود. این به عقب برمی‌گردد، مطمئن نیستیم چقدر، اما به هر حال به مقدمه گوده بر عهد جدید برمی‌گردد.

همه آنها با یک فرمول مشابه پایان می‌یابند. این اتفاق زمانی رخ داد که عیسی سخنش را تمام کرده بود، یا چیزی شبیه به این، و سپس در آن نقطه به روایت برمی‌گردد. بنابراین، موعظه بالای کوه، متی ۵-۷ را در بر می‌گیرد و در پایان موعظه بالای کوه، این فرمول را داریم.

این اتفاق زمانی رخ داد که عیسی سخنانش را تمام کرد و با روایت زیر ادامه می‌یابد: در فصل دهم متی، دستورالعمل‌هایی برای دوازده نفر داریم و آیه ۱:۱۱ یک متن انتقالی را تشکیل می‌دهد. در فصل ۱۳، تمثیل‌های پادشاهی را داریم و آیه ۵۳:۱۳ چنین متن انتقالی را تشکیل می‌دهد.

در فصل ۱۸، مطالب مربوط به تنبیه کلیسا و سخنرانی او با شاگردانش را داریم، و سپس در ۱:۱۹، یک متن انتقالی داریم. در فصل‌های ۲۴ و ۲۵، سخنرانی در کوه زیتون را داریم، و در فصل ۲۶، آیه ۱ فرمول پایانی آن است. تعدادی از مفسران اظهار داشتند که متی انجیل خود را بر اساس اسفار پنجگانه تنظیم کرده است، بنابراین ما پنج سخنرانی معادل پنج کتاب اسفار پنجگانه داریم.

خب، شاید موعظه‌ی بالای کوه با سفر خروج کاملاً همخوانی داشته باشد، اما سوال این است که با سفر پیدایش چه باید کرد؟ و به نظر من بقیه‌ی آیات از این نظر خیلی چشمگیر نیستند. بله، پنج سخنرانی وجود دارد، اما فوراً مشخص نیست که واقعاً همین کار را می‌کنند. برخی شباهت‌های بیشتری هم می‌بینند.

نسب‌نامه در متی با کتاب نسل‌ها مطابقت دارد، بنابراین اگر ایده گفتمان را کنار بگذارید، شاید بتوانید پیشنهاد دهید که انجیل متی با نوعی بخش پیدایش، مقدمات شروع می‌شود و سپس خطبه بالای کوه ممکن است به عنوان خروج یا چیزی شبیه به آن عمل کند، اما مطمئن نیستیم که بتوانید آن را به خوبی منتقل کنید. وسوسه‌های بیابان را حتی می‌توان به عنوان سرگردانی‌ها در نظر گرفت، اگرچه این امر پس از آن، اگر دوست دارید، در سمت اشتباه سینا که قانون را می‌دهد، که قبل از سرگردانی‌ها و موارد مشابه است، به ارمغان می‌آورد. خب، ما از آنجا منحرف نخواهیم شد.

با این حال، دو گفتمان دیگر در متی وجود دارد، نه فقط پنج گفتمان، بنابراین این موضوع کمی موضوع را پیچیده می‌کند. متی ۲۳، وای بر فریسیان، یا وای بر فریسیان، و مسلماً، می‌توان گفت ۲۳، ۲۴، ۲۵، اما به نظر می‌رسد وقتی به ۲۵ می‌روید، تغییر بزرگی در مطالب آخرالزمانی که در آنجا وجود دارد، رخ می‌دهد. همچنین، یک گفتمان در متی ۳ وجود دارد، اما این گفتمان مربوط به یحیی تعمید دهنده است، بنابراین باز هم می‌توانم در مورد آن نکاتی را بیان کنم.

به نظر می‌رسد که اگر مایل باشید، تکنیک متی این است که نمونه‌های موضوعی از موعظه‌های عیسی را که مربوط به شخصیت عیسی است، ارائه دهد و تلاش برای تطبیق این نمونه‌ها با کتب پنجگانه عهد عتیق به نظر من کمی اغراق‌آمیز است، اما متی از بخش‌های نسبتاً بزرگی استفاده می‌کند، در حالی که مرقس از قطعات بسیار کوتاه استفاده می‌کند و لوقا از قطعات متفاوتی استفاده می‌کند. فکر می‌کنم این کاملاً واضح است. برخی گفته‌اند که متی مطالب خود را به ترتیب زمانی تغییر داده و آنها را بر اساس موضوع و نه بر اساس ترتیب زمانی جمع‌آوری کرده است.

همانطور که گفتیم، مسلماً گفتمان‌های او بر اساس موضوع هستند و معجزات او عمدتاً در فصل‌های ۸ و متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، می‌توانیم بگوییم که ترتیب وقایع متی در چند جا با مرقس و لوقا متفاوت است. مطمئناً، همه انجیل‌ها ترتیب وقایع یکسانی را به معنای موعظه عمومی و سپس موعظه خصوصی، و سپس ورود پیروزمندانه و مرگ و رستاخیز و موارد مشابه دارند. اما هیچ مدرک محکمی مبنی بر آزادی زمانی، بین انجیل‌ها نمی‌یابیم؛ یعنی، به صراحت گفته می‌شود که همان وقایع به ترتیب متفاوتی اتفاق افتاده‌اند، اگرچه پیچیدگی‌هایی وجود دارد.

سوالاتی که در بررسی انجیل مطرح می‌شود این است که آیا این دو رویداد که در دو انجیل مختلف دیده شده‌اند، یک رویداد هستند یا رویدادهای متفاوتی هستند. لیرال‌های شما اغلب ادعا کرده‌اند که در واقع فقط یک پاکسازی معبد رخ داده است، اما یوحنا، به دلایلی، یا انجیل‌های هم‌نوا، به دلایلی، آن را در دو انتهای مختلف رسالت عیسی قرار می‌دهند. البته، شما همچنین صید معجزه‌آسای ماهی را دارید که در انجیل یوحنا در پایان رسالت عیسی و انجیل‌های هم‌نوا در آغاز رسالت عیسی است.

برداشت من از این موارد این است که برخی از آنها کارهایی هستند که دوباره انجام می‌شوند. برخی دیگر نیز وجود دارند که ما در مورد آنها چندان مطمئن نیستیم، اما شباهت بسیار زیادی بین موعظه بالای کوه در متی و آنچه اغلب موعظه روی دشت در لوقا نامیده می‌شود، وجود دارد. تمایل شخصی من این است که احتمالاً دو روش مختلف برای خلاصه کردن یک موعظه یکسان هستند، اما ممکن است اشتباه کنم زیرا واعظ سیار عیسی، اگر دوست دارید، نه کاملاً به شکل بازدید از کلیساهای مختلف مانند واعظان سیار ما، بلکه بیشتر شبیه وسلی یا کسی است که در مکان‌های مختلف به صورت علنی صحبت می‌کند.

بنابراین، او ممکن است از مطالب مشابهی در جاهای مختلف استفاده کرده باشد. در این صورت، این اصلاً تعجب‌آور نخواهد بود. فرهنگ‌های مختلف، رویه‌های ادبی متفاوتی دارند.

نقل قول‌ها باید از دقت و سبک خاصی برای یک پایان‌نامه دانشگاهی در غرب پیروی کنند، اما الزامات یک مقاله روزنامه به هیچ وجه به این اندازه رسمی نیست. بنابراین، جای تعجب نیست که گاهی اوقات سخنان عیسی در یک نویسنده انجیل تا حدودی متفاوت از دیگری به نظر می‌رسد. البته، ابداع دیالوگی که هرگز رخ نداده است، باید در هر فرهنگی بد تلقی شود و من فکر می‌کنم این درست است.

وقتی می‌خواهید یک سخنرانی طولانی یا یک روایت طولانی را خلاصه کنید، نویسنده ممکن است از جملات کلیدی یک گفتمان استفاده کند، رویداد را ساده کند یا آن را با کلمات خودش خلاصه کند. این نوع رویکردها مطمئناً قابل قبول هستند، تا زمانی که او به ما بگوید واقعاً چه اتفاقی افتاده است، و با این حال ممکن است به ما نگوید که چه کاری انجام می‌دهد. این کار فقط روایت را طولانی‌تر می‌کند و به نوعی آن را پیچیده‌تر می‌کند.

برداشت من از این موضوع این است که انجیل‌ها کاملاً قابل اعتماد هستند. آن‌ها به ما می‌گویند که چه اتفاقی افتاده است و غیره، اما بدون ماشین زمان، ممکن است نتوانیم دقیقاً بفهمیم که چگونه تمام وقایع خاص را با هم هماهنگ کنیم، و همچنین با اطمینان نگوییم که آیا این دو شفای جذامی در واقع یک رویداد

هستند یا دو موقعیت متفاوت از آن. در ادامه، ما هنوز در حال توصیف ویژگی‌های متی و عبارات خاص در متی هستیم.

دو عبارت در متی نسبتاً رایج است. البته یکی از آنها این است که ممکن است تحقق یابد. برخی از این رشته‌ها در انجیل‌های دیگر نیز ذکر شده‌اند، اما نه به اندازه متی.

برخی از لیبرال‌ها گفته‌اند که در کلیسای اولیه از کتاب شهادت‌ها، که مجموعه‌ای از متون اثبات‌کننده عهد عتیق در مورد مسیح است، استفاده می‌شده است. خوب، ممکن است اینطور باشد، اما احتمال بیشتری وجود دارد که این موارد به توضیحات خود عیسی برگردد. به یاد دارید که در جاده عمواس، او متون عهد عتیق را برای آن دو نفر توضیح داد و سپس چند ساعت بعد در اتاق بالا، آنها را برای گروه بزرگتری از شاگردان توضیح داد.

پیشنهاد من این است که اظهارات تحقق‌بخش مانند آنچه متی بیان کرده و سپس نقل قول از متون مختلف عهد عتیق در نوشته‌های پولس و پطرس، در واقع بازتابی از آنچه عیسی در آن زمان به آنها گفته است می‌باشد. و البته او از بین همه مردم می‌داند که کدام پیشگویی‌های عهد عتیق در واقع برای اشاره به مسیح و موارد مشابه طراحی شده‌اند. عبارت شاخص دیگر در متی، پادشاهی آسمان است.

و این عبارت بیش از ۳۰ بار تکرار شده است. اگرچه برخی مخالف هستند، اما من فکر می‌کنم این عبارت مترادف با پادشاهی خدا است. چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که مرقس و لوقا هرگز پادشاهی آسمان را ندارند، و متی تقریباً همیشه پادشاهی آسمان را دارد، اما گهگاه پادشاهی خدا را خواهد داشت و غیره.

عبارت پادشاهی آسمان در متی، در بسیاری از متون مشابه با عبارت پادشاهی خدا در مرقس و لوقا به کار رفته است. و در واقع متی در یک متن از هر دو اصطلاح به طور موازی استفاده کرده است. آن متی ۱۹ آیات ۲۳ و ۲۴ است.

با دانستن برخی از متون ربی‌ها، این موضوع تا حدودی روشن می‌شود. در منابع ربی‌ها، می‌بینیم که ربی‌ها تمایلی به استفاده از اصطلاح پادشاهی خدا نداشتند. بنابراین، اغلب از جایگزین‌هایی برای آن استفاده می‌کردند.

و یکی از آن جایگزین‌ها بهشت بود. یکی از آن جایگزین‌ها شکوه و جلال بود. یکی از آن جایگزین‌ها مکان بود.

و موارد مختلف دیگری از این دست. و بنابراین، به نظر می‌رسد که متی، به عنوان یک یهودی پرهیزگار، بیشتر اوقات از پادشاهی آسمان به جای پادشاهی خدا استفاده می‌کند. برخی مطالب دیگر در متی منحصر به متی هستند و بنابراین، از این نظر، ویژگی خاصی دارند.

قبلاً اشاره کردیم که متی به آداب و رسوم و رسوم مختلف یهودی اشاره می‌کند که شاید برای غیریهودیان جالب نباشد. متی و لوقا هر دو مطالبی در مورد تولد دارند، اما برخی از آنها مختص متی و برخی مختص لوقا است. هر دو در مورد تولد از باکره صریح هستند، اما در غیر این صورت، همپوشانی زیادی ندارند.

متی به آمدن مردان حکیم، تلاش هیروودیس برای کشتن عیسی، فرار به مصر و غیره اشاره می‌کند. لوقا اصلاً به این موارد اشاره نمی‌کند. به نظر من متی دیدگاه یوسف را به ما می‌دهد و لوقا دیدگاه مریم را.

در متی، یوسف را در حال تعجب، نگرانی و عمل می‌بینیم در حالی که لوقا می‌گوید مریم در قلبش به این چیزها فکر می‌کرد و غیره. و این مریم است که به دیدار دختر عمویش الیزابت می‌رود و از این قبیل. بنابراین، این برداشت من از تفاوت بین دو روایت تولد است.

جالب اینجاست که برای یهودی‌ترین انجیل‌ها، اگر دوست داشته باشید، مطالب جالبی در مورد کلیسا در متی وجود دارد و واقعاً هیچ چیز قابل مقایسه‌ای با آنچه در لوقا یا مرقس یا یوحنا آمده نیست. ما در یوحنا پطرس را در کلیسا داریم، در متی ۱۶، تنبیه کلیسا، و در متی ۱۸، تنبیه کلیسا. خب، ببینیم، ۱۶.

به نظر من این موضوع نوعی مشکل برای آن دسته از فرقه‌های تدبیرگرایی ایجاد می‌کند که تمایز مطلق بین کلیسا و اسرائیل قائل می‌شوند و انجیل متی را به عنوان انجیل یهودی می‌بینند، به این معنا که برای این دوره نیست، که نوعی ویژگی تدبیرگرایی قدیمی یا کلاسیک است تا آنچه که ما امروزه تدبیرگرایی مترقی می‌نامیم. اِکلیسیا، بر روی این صخره، کلیسای خود را در متی ۱۶ بنا خواهیم کرد. اِکلیسیا یک اصطلاح هفتادگانی است.

این اصطلاحی است که برای جماعت به کار می‌رود، و بنابراین اغلب ترجمه فراخوانی از جماعت عبری است. اما البته، عیسی در اینجا از اِکلیسای من صحبت می‌کند. بنابراین، آیا باید آن را از اِکلیسای عهد عتیق متمایز کرد؟ توضیح داده نشده است.

سپس در متی ۲۸ به مأموریت بزرگ می‌رسیم. مأموریتی نیز در مرقس آمده است، هرچند که آن مأموریت در متنی تا حدودی مشکوک است، اما لوقا، اعمال رسولان و یوحنا نیز هر کدام چیزی شبیه به این دارند. در زمینه‌ای متفاوت، یکی از دیگری، عیسی گسترش انجیل را به اندازه کافی مهم می‌دانست تا دستورالعمل‌ها را در چندین موقعیت تکرار کند.

لیبرال‌ها تمایلی به پذیرفتن دلالت رفتن به همه ملت‌ها و از این قبیل چیزها و اینکه عیسی در طول اعصار با شاگردان خواهد بود و فرمول تثلیث، در این مورد، ندارند. بنابراین، آنها تمایل دارند انکار کنند که این به عیسی برمی‌گردد. با این حال، جالب است که انجیل متی، و همچنین تعدادی دیگر از جاهای کتاب مقدس گسترش جهانی انجیل را پیش‌بینی می‌کنند، اما تمام کتاب مقدس مدت‌ها قبل از هرگونه گسترش جهانی انجیل نوشته شده است.

بنابراین، به هر حال نوعی تحقق [پیام] در آنجا در جریان است. آنها تمایل دارند اصالت متی را از نظر تاریخی زیر سوال ببرند، زیرا با کتاب اعمال رسولان، دستور رفتن به آنجا در روایت متی در مقابل اکره اولیه در اعمال رسولان برای رفتن به آنجا، و تثلیث، تعمیم به نام پدر و پسر و روح القدس، در مقابل تعمیم اولیه به نام مسیح و غیره، تعارضاتی مشاهده می‌کنند.

شاید هر دوی آنها با خواندن بیش از حد متون، وانمود می‌کنند که دقیقاً همان فرمول یا چیزی را که در مراسم غسل تعمید استفاده می‌شود، دریافت می‌کنند. اگر مسیحیت حقیقت داشته باشد، هیچ یک از این موارد جدی نیستند. اگر عیسی همان کسی است که کتاب مقدس ادعا می‌کند، پس آمدن و رستاخیز او قطعاً خبری با اهمیت تکان دهنده است.

مزمور ۲۲ نیز همین را می‌گوید، و مطمئناً قبل از ظهور مسیحیت نوشته شده است. اگر عیسی خداست و فقط یک خدا وجود دارد، پس او در همه جا حضور دارد و نام خود را با پدر به اشتراک می‌گذارد. به نظر من، مشکلات اعمال رسولان تا حد زیادی به تأکید مربوط می‌شود.

ظاهراً شاگردان اولیه منتظر دستورالعمل‌های بیشتر در مورد چگونگی انجام این کار بودند و در ابتدا متوجه نشدند که غیریهودیان بدون گرویدن به یهودیت، به عنوان غیریهودی مسیحی می‌شوند. ما احتمالاً هم متی و

هم اعمال رسولان را اشتباه خوانده‌ایم و عبارات به نام پدر، پسر و روح‌القدس و به نام عیسی مسیح را به عنوان دستورالعمل‌هایی در مورد کلمات دقیق مورد استفاده در مراسم در نظر گرفته‌ایم. بسیار خوب، من در اینجا یک طرح کلی از متی ارائه می‌دهم، اما مطمئن نیستم که این در خواندن خیلی خوب به نظر برسد.

بگذارید بدون ذکر اعداد، یک مرور سریع از آن داشته باشم. متی با شجره‌نامه‌ای که بیشتر فصل ۱ را در بر می‌گیرد شروع می‌کند، سپس تولد و نوزادی که ما را به انتهای فصل ۲ می‌رساند، سپس آمادگی برای خدمت که ما را از تمام فصل ۳ و بخشی از فصل ۴ عبور می‌دهد، و سپس خدمت جلیلی از اواسط فصل ۴ تا انتهای فصل ۱۸ ادامه دارد و می‌تواند به خدمت عمومی، از اواسط فصل ۴ تا ابتدای فصل ۱۳، و سپس یک خدمت محدود برای حدود ۳ فصل، و سپس یک خدمت خصوصی برای حدود ۳ فصل تقسیم شود. سپس سفر به اورشلیم ادامه می‌یابد که حدود ۲ فصل، ۱۹-۱ تا ۲۱-۱ را در بر می‌گیرد.

سپس، هفته آخر، که حدود ۵ فصل است، و سپس خیانت، محاکمه و مصلوب شدن ۲ فصل را به خود اختصاص می‌دهند، و سپس ظهورات پس از رستاخیز ۱ فصل را تشکیل می‌دهند. بنابراین، اساساً، متی فقط به خدمت جلیلی می‌پردازد. ما چیزی مشابه را در مرقس خواهیم دید، در حالی که لوقا به خدمت پاریایی می‌پردازد و یوحنا نیز به طور مفصل به خدمت یهودی می‌پردازد.

در اینجا، هفته آخر تا رستاخیز، ۸ فصل از یک کتاب ۲۸ فصلی را به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین اگر دوست دارید، بخش بسیار بزرگی در مورد پایان خدمت زمینی عیسی خواهد بود. بسیار خوب، ما به سراغ ویژگی‌های مرقس می‌رویم و همانطور که با متی انجام دادیم، با این مرد، یوحنا مرقس، شروع می‌کنیم. مرقس در واقع ۱۰ یا ۱۱ بار در عهد جدید ذکر شده است، بنابراین در واقع بیشتر از متی، حتی با اینکه متی یک رسول است و مرقس نیست.

با این حال، نام مرقس ۶ بار در اعمال رسولان ذکر شده است، بنابراین بیشتر مطالب او را از آنجا می‌گیریم. و سپس ۳ بار در رساله‌های پولس، یک بار در هر یک از رساله‌های کولسیان، فیلیمون و دوم تیموتائوس یک بار در رساله اول پطرس، مرقس، پسر و غیره، پطرس می‌گوید، و سپس شاید در مرقس ۱۴، ۵۱، ۵۲، از دست دادن ورق در حادثه دستگیری، به همین دلیل است که ۱۰ یا ۱۱ بار از او نام برده شده است.

این اطلاعات کافی است تا بتوانیم کمی زندگی او را دنبال کنیم. کولسیان ۴:۱۰ به ما می‌گوید که مرقس را دارد. این کلمه در واقع با nephew پسرعموی برنابا بود. من فکر می‌کنم نسخه کینگ جیمز کلمه cousin، اما اکنون عموماً به عنوان یک کلمه عمومی‌تر، یعنی، onepsios، هم‌ریشه است nephew، شناخته می‌شود که اطلاعات زیادی به شما نمی‌دهد زیرا پسرعموهای درجه یک و دو و سه و حذف‌ها و از این قبیل چیزها وجود دارد که حداقل در اصطلاحات تبارشناسی انگلیسی به آنها می‌گوییم.

مادر مرقس، مریم بود و در اعمال رسولان ۱۲:۱۲ آمده است که او صاحب خانه‌ای در اورشلیم بود. از پدرش نامی برده نشده است. شاید او قبلاً مرده بود.

شاید او مؤمن نبود. ما آنجا را نمی‌دانیم. ممکن است مرقس در دستگیری عیسی حضور داشته باشد.

این مرقس ۵۱:۱۴-۵۲ است. گفته می‌شود این حدس و گمان است. یک داستان احتمالی نشان می‌دهد که چگونه این اتفاق می‌افتد، به این صورت که پیشنهاد می‌شود شام آخر در خانه مریم برگزار شود.

ما این را نمی‌دانیم، اما می‌دانیم که مریم صاحب خانه‌ای بوده و به هر حال بعدها توسط مؤمنان مورد استفاده قرار گرفته است. شام آخر در خانه مریم برگزار شد. جمعیت برای دستگیری عیسی به خانه می‌آیند.

گذشته از همه اینها، نمی‌توان از یهودا انتظار داشت که دقیقاً بداند عیسی پس از آن نقطه کجا می‌رود، اما شاید او در مکان‌های مختلف تلاش کند. مرقس بیدار می‌شود. احتمالاً جمعیتی که به خانه می‌رسند، این کار را انجام خواهند داد.

او در حالی که ملحفه‌اش را تا جتسیمانی پیچیده بود، از دور جمعیت را دنبال کرد، دستگیری را از میان بوته‌ها تماشا کرد و نزدیک بود خودش هم دستگیر شود. حدس و گمان، باشه، اما به تصویر کوچیک مرقس در اورشلیم، در زمان آزار و اذیتی که یعقوب، پسر زیدی، کشته شد و پطرس زندانی شد، با مادرش (زندگی می‌کرد،) اعمال رسولان ۱۲:۱۲)

بر اساس اطلاعاتی که از یوسفوس در مورد زمان مرگ هیروودیس آگریپای اول، که در آنجا درگیر بود، داریم، فکر می‌کنیم که این اتفاق حدود سال ۱۴۴ میلادی یا کمی قبل از آن رخ داده است. سپس، برنابا و پولس مرقس را با خود به انطاکیه می‌برند، اعمال رسولان ۱۲-۲۵. سپس مرقس به عنوان دستیار پولس و برنابا، در اولین سفر تبلیغی، به همراه آنها می‌رود، اعمال رسولان ۱۳:۵، که در ابتدا به معنای پاروزن در یک کشتی سه چرخه یا چیزی شبیه به آن بود، اما در این مرحله به یک اصطلاح عمومی برای دستیار تبدیل شده است.

از آنجایی که احتمالاً مرقس در مقایسه با پولس یا برنابا، آموزش کمی در دنیا دیده بود، احتمالاً کارهایی مانند رسیدگی به مسکن و غذا و از این قبیل کارها را انجام می‌داد. با این حال، مرقس وقتی از قبرس به آسیای صغیر می‌روند، آنها را رها می‌کند. شاید مرقس قبلاً به قبرس رفته بود، چون برنابا پسرعموی آنها بوده و نمی‌خواست به سرزمین جدید یا چیزی شبیه به آن برود.

به اعمال رسولان ۱۳:۱۳ مراجعه کنید. تاریخ تخمینی برای آن شاید ۴۷-۴۸ میلادی باشد. دلیلش هر چه که بود، پولس فکر نمی‌کرد دلیل خوبی باشد.

برخی احتمالات در مورد اینکه چرا مرقس ممکن است آنها را رها کرده باشد، مطرح شده است. یکی از آنها می‌تواند این باشد که به نظر می‌رسد رهبری از برنابا به پولس تغییر کرده است. در بخش اولیه این روایت از اولین سفر تبلیغی، برنابا جلوتر از پولس ذکر شده است، اما پس از واقعه قبرس که سرگیوس پولس به مسیحیت گروید و الیموس جادوگر توسط پولس، مسلماً توسط خدا، کور شد.

سپس پس از آن، ابتدا از پولس نام برده می‌شود. ممکن است که مرقس از این موضوع آزرده خاطر شده باشد. ما نمی‌دانیم.

من اینجا حدس می‌زدم. اگر دوست دارید، بازسازی‌ها. ثانیاً، احتمال رفتن به آسیای صغیر یک برنامه تغییر یافته بود و مارک نمی‌خواست اینقدر طولانی شود.

سوم اینکه، مرقس با بشارت تهاجمی غیریهودیان مخالفت کرد، که در آن زمان شروع به رخ دادن خواهد کرد. یا او از خطر ترسید، سرخورده شد یا دلتنگ خانه شد. بنابراین، همه اینها احتمالات هستند و ما دوباره در حال حدس و گمان هستیم.

به یاد داشته باشید که ماشین زمان وجود ندارد. پس از شورای اورشلیم، پولس و برنابا سفر تبلیغی دومی را برای بازدید از کلیساهایی که تأسیس کرده بودند، برنامه‌ریزی کردند. این موضوع را در بخش پایانی اعمال رسولان ۱۵ برای ما روایت می‌کند.

برنابا می‌خواهد به مرقس فرصت دوباره‌ای بدهد، اما پولس این کار را نمی‌کند. بنابراین، آنها از هم جدا شدند و مرقس و برنابا به قبرس رفتند و پولس و سیلاس رهبران مسیحی بالغ آسیای صغیر شدند. و این حدود ۵۰ سال میلادی است.

خب، ما تا اواخر رساله‌ها چیز بیشتری از مرقس نمی‌شنویم، زیرا همانطور که به یاد دارید، اعمال رسولان عمدتاً پس از پولس اتفاق می‌افتد. حدود ۱۰ سال بعد، چیزی حدود ۶۱-۶۳ میلادی، مرقس دوباره مورد لطف پولس قرار می‌گیرد. این را در کولسیان ۴، ۱۰ و در نهایت در کولسیان ۲۴ می‌بینیم.

ظاهراً مرقس توسط پولس به مأموریتی فرستاده می‌شود و به کلیسای کولسیان معرفی می‌شود. او اکنون همکار پولس است. کمی بعد، مرقس در نزدیکی افسس است و به عنوان کسی که برای پولس مفید بوده، معرفی می‌شود.

دوم تیموتائوس ۴:۱۱ جایی در دوره ۶۴-۶۸ میلادی. و تیموتائوس قرار است او را هنگام آمدن از افسس با خود بیاورد. در اول پطرس ۵:۱۳، این پطرس است که ممکن است قبل از اشاره به دوم تیموتائوس باشد؛ ما نمی‌دانیم.

پطرس هنوز زنده است، اما فکر می‌کنم آزار و اذیت رومی‌ها ظاهراً آغاز شده است، بنابراین می‌توانیم حدس بزنیم که شاید ۶۴ سال بعد باشد. و به نظر من پطرس دارد به کلیساهای آسیایی در مورد این آزار و اذیت هشدار می‌دهد، شاید حتی به کلیساهای پولس هم در این مورد هشدار می‌دهد، که می‌تواند نشان دهد شاید پولس در اسپانیا یا چیزی شبیه به آن باشد. مرقس با پطرس در بابل است و سلام می‌رساند.

پطرس او را پسر من صدا می‌زند، احتمالاً به معنای معنوی آن. ما هیچ نشانه‌ای نداریم که پطرس پدر مرقس باشد و مریم همسر پطرس یا چیزی شبیه به این. گمان می‌کنم می‌توان چیزی شبیه به این ساخت.

بابل کجاست؟ این بابل کجاست؟ خب، یک احتمال تحت‌اللفظی وجود دارد که در منطقه‌ای در بین‌النهرین، اطراف جایی که شهر بابل بوده، هنوز یک جامعه یهودی بزرگ وجود داشته است، بنابراین ما تلمود بابلی را به عنوان نام مجموعه ادبیات خاخام‌های شرقی در آنجا داریم. مکانی در مصر نزدیک قاهره مدرن وجود دارد که بابل نامیده می‌شد. من تاریخچه چگونگی نامگذاری آن را نمی‌دانم، اما یک جامعه یهودی بزرگ نیز داشته است. احتمال

سوم روم است. مطمئناً در مکاشفه به آن بابل گفته شده است. خب، شاید گفتن این حرف خیلی قوی باشد، اما فکر می‌کنم این برداشت کلی مفسران است و ممکن است پطرس از یک کد برای دور زدن مقامات در صورت رهگیری نامه استفاده می‌کند. چنین چیزی در تاریخ برخورد با دولت‌ها توسط گروه‌هایی که به هر دلیلی توسط آنها مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند، بی‌سابقه نیست. سنت می‌گوید که مرقس بعداً به اسکندریه مصر رفت و رهبر کلیسای آنجا شد.

خب، این هم از مرقس، مرد. ما حداقل از روی مطالب کتاب مقدس، اطلاعات خیلی بیشتری در مورد او نسبت به متی داریم. در مورد مخاطبان مرقس چطور؟ کاملاً واضح است که مخاطبان او غیریهودی و احتمالاً رومی هستند.

عبارات آرامی که تعدادشان در انجیل مرقس زیاد است، عموماً ترجمه شده‌اند؛ بنابراین، از خوانندگان انتظار نمی‌رفت که زبان آرامی را بدانند. اعمال یهودی توضیح داده شده است. برای مثال، تطهیر دست‌ها توضیح داده شده است. برای هر یهودی، چنین چیزی غیرضروری خواهد بود.

بنابراین، به نظر می‌رسد که مرقس برای مخاطبان غیریهودی که با زبان‌ها و فرهنگ فلسطین ناآشنا هستند، می‌نویسد. مردم آشکارا غیریهودی هستند. از سنت و شاید از لاتین‌گرایی‌ها نیز می‌توان استنباط کرد که این غیریهودیان رومی بوده‌اند.

من این را قوی نمی‌دانم، اما مطمئناً یک احتمال است. چندین اصطلاح لاتین وجود دارد که از اصطلاحات لاتین استفاده می‌کنند اما اگر دوست دارید در انجیل مرقس آمده باشد، آن را با الفبای یونانی جایگزین می‌کنند. در مرقس ۱۵:۱۵ کلمه آلاچیق وجود دارد که به معنای شلاق زدن یا چیزی شبیه به آن با تاژک در انگلیسی قرض گرفته شده است flagella است، که در واقع فعلی است که از کلمه لاتین

با این حال، این اصطلاح در دو انجیل دیگر در یوحنا ۲ و متی ۱۱ نیز آمده است، بنابراین ممکن است فقط نشان دهد که از آنجایی که رومی‌ها از سال ۶۳ قبل از میلاد در اسرائیل تسلط داشتند، برخی از اصطلاحات آنها منسوخ شده بود. مطمئناً می‌توانید متوجه شوید که چنین اتفاقی برای یک ارتش اشغالگر به مدت ۵۰ یا ۱۰۰ سال رخ می‌دهد و اگر دوست دارید، تعدادی از اصطلاحات در زبان محلی رایج می‌شوند. یکی از ۱۰۰ است که سه بار در انجیل مرقس ۱۵ از کلمه لاتین centurion اصطلاحاتی که کمی متمایزتر است، کلمه آمده است و این برای ما تعجب‌آور به نظر نمی‌رسد زیرا ما آن را در انگلیسی نیز قرض centurion استفاده می‌کنند. رهبر یا حاکم hectone گرفته‌ایم، اما متی، لوقا و اعمال رسولان از معادل یونانی آن یعنی آرکاز بر ۱۰۰ نفر، بنابراین می‌توان گفت که این اصطلاح یونانی برای آن سطح از افسر در ارتش است.

خب، من شک دارم که وقتی صحبت از حدس زدن مخاطب می‌شود، باید به چند اصطلاح لاتین مانند آن اهمیت زیادی بدهیم. هدف مرقس، هیچ عبارت مستقیمی در انجیل ارائه نشده است. استنباط هدف از مرقس دشوارتر از متی است. نویسنده نمی‌گوید که مثلاً قصد دارد سنت‌های پطرس را حفظ کند، یا اینکه قصد دارد انجیل را به رومیان یا غیریهودیان ارائه دهد.

البته، سطر آغازین می‌تواند به خوبی هدف مرقس ۱:۱، آغاز انجیل عیسی مسیح، پسر خدا، را بیان کند. البته، این چیزی است که هر چهار انجیل در آن مشترک هستند، بنابراین نمی‌توان آن را هدف متمایزی نامید، اما واضح است که هدف مرقس این است که این خبر خوش درباره عیسی است که مسیح و پسر خداست. خب، شاید مرقس، همانطور که برخی از مفسران گفته‌اند، به ویژه ذهنیت رومی‌ها را در مقایسه با یونانی‌ها هدف قرار داده است، و البته می‌توانید آنها را با عبرانیان و سوری‌ها و مصری‌ها و چیزهایی از این قبیل مقایسه کنید.

رومی‌ها معمولاً عمل‌گرا، عمل‌گرا، منظم و غیره بودند. و البته، خود پطرس هم چنین خلق و خوی عمل‌گرایی داشت، بنابراین احتمالاً از این نظر با رومی‌ها همخوانی داشت، و این زمانی بود که ما آن چیز کوچک را از کلمنت اسکندریه در مورد مرقس خواندیم، این نوعی جهت‌گیری است که مردم روم از شنیدن حرف‌های پطرس هیجان‌زده شدند و می‌خواستند مرقس آن را بنویسد، بنابراین شاید این همان چیزی است که ما به اینجا رسیده‌ایم. بنابراین، ممکن است تقاضای زیادی برای مطالب او در بین رومی‌ها وجود داشته باشد، همانطور که روایت ما از کلمنت می‌گوید.

خب، ویژگی‌های مرقس. قبلاً وقتی داشتیم درباره نویسنده و تاریخ بحث می‌کردیم، مختصراً به این موارد اشاره کردیم. در مرقس نوعی سرزندگی وجود دارد.

مارک پر از جزئیات گرافیکی و زیبا است که برای اکشن لازم نیستند اما به روایت رنگ و عمق می‌بخشند. نفر روی چمن سبز لم داده‌اند. خب، این شبیه چیزی در انگلستان یا شرق آمریکا یا چیزی شبیه به آن ۵۰۰۰. به نظر نمی‌رسد، اما چمن فقط در طول سال در آن بخش از جهان سبز است.

بنابراین، این واقعاً نوعی گفتن چیزی به شماس است. مرقس به احساسات عیسی اشاره می‌کند. او مرتباً از زمان حال تاریخی استفاده می‌کند تا، به نظر ما، به روایت جان ببخشد.

این حداقل یک پیشنهاد رایج در مورد نقش زمان حال در نسخه یونانی بوده است. جزئیات زیادی در انجیل مرقس وجود دارد. انجیل مرقس کوتاه‌تر از متی، لوقا یا یوحنا است، اما او اغلب وقایع را با جزئیات بیشتری نسبت به متی یا لوقا گزارش می‌دهد.

او گاهی اوقات نام افراد درگیر، زمان روز و جمعیت اطراف ذکر شده را ذکر می‌کند و این موارد اغلب در سایر انجیل‌ها یافت نمی‌شوند. با این حال، همانطور که گفتم، انجیل مرقس کوتاه‌ترین انجیل است. این کوتاهی با حذف گفتمان‌های طولانی و گزارش رویدادهای کمتر حاصل شده است.

فعالیت یکی دیگر از ویژگی‌های انجیل مرقس، فعالیت در آن است. بر عمل در خدمت عیسی تأکید شده است.

اغلب به همین صورت ترجمه می‌شود. این کلمه بیش از ۴۰ بار euthus immediately کلمه یونانی استفاده شده و به روایت مرقس حالتی شتاب‌زده و نفس‌گیر می‌دهد. مرقس بیشتر بر اعمال عیسی تأکید دارد تا سخنان او.

مرقس معمولاً سخنرانی‌های طولانی درباره عیسی ایراد نمی‌کند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، مرقس ۱۳ یازدهمین سخنرانی، طولانی‌ترین سخنرانی در تاریخ مرقس است. مرقس پر از معجزات است.

هجده مورد ثبت شده است، هرچند فقط دو مورد مختص به مرقس است. پس این ویژگی اوست. وضوح جزئیات، فعالیت.

آرامی. بسیاری از کلمات آرامی ثبت شده و معمولاً به یونانی ترجمه شده‌اند. برخی از این کلمات آرامی منحصر به مرقس هستند.

که عیسی به دو پسر زبیدی می‌دهد، به معنی پسران رعدا است. طلیطه کوم، مرقس F بوانرجس، حرف فرمان به دختر یایروس، دختری کوچک، برخیز. افاتا، ۷:۳۴، فرمان به لالِ مُردن، باز شو، ۵:۴۱.

بارتیمائوس به عنوان مرد نابینا نامگذاری شده است که به معنای پسر تیمائوس است. مرقس حتی نام آرامی بارتیمائوس را ترجمه می‌کند، که نشان می‌دهد مخاطب هیچ احساسی نسبت به زبان آرامی ندارد. در آیه «عیسی خطاب به خدا می‌گوید»: ابا «به معنای پدر»، 14:36.

این عبارت در جاهای دیگر توسط پولس در رومیان و غلاطیان استفاده شده است اما در سایر انجیل‌ها وجود ندارد. همچنین برخی کلمات آرامی در مرقس وجود دارد که در سایر انجیل‌ها نیز یافت می‌شوند. قربان، هدیه به معبد، که در مرقس توضیح داده شده است، اما در متی، ۲۷:۶ ترجمه نشده است. جلجتا، ۷:۱۱، محل جمعه، ۱۵:۲۲.

هم متی و هم یوحنا از این استفاده می‌کنند و هر سه آن را ترجمه می‌کنند. الوئی، الوئی، لما سوباختانی، خدای من، خدای من. متی از آن استفاده می‌کند و آن را ترجمه نیز می‌کند، همانطور که مرقس نیز، ۱۵:۳۴، همینطور.

رَبِّي ربونی چندین بار در مرقس چهار بار، متی چهار بار و یوحنا نه بار از این کلمه استفاده کرده است، اما فقط یک بار آن را ترجمه کرده و آن هم توسط یوحنا. مرقس احتمالاً برای وضوح بیشتر از زبان آرامی استفاده کرده است، اما همانطور که سنت نشان می‌دهد، ممکن است پطرس همان کلماتی را که عیسی استفاده کرده یا چیزی شبیه به آن را به خاطر آورده باشد. این نقل قول‌ها به ما نمی‌گویند که عیسی فقط به زبان آرامی صحبت می‌کرده است.

مکالمات او با یک زن اهل فینیقیه و با پیلطس نشان می‌دهد که او به زبان یونانی آشنایی داشته است. خوب، حالا یک طرح کلی از انجیل مرقس ارائه می‌دهم و اجازه دهید دوباره آن را برایتان توضیح دهم. ما با انجیلی مواجه هستیم که به طور قابل توجهی کوتاه‌تر از انجیل متی بر اساس فصل است.

متی ۲۸ فصل و مرقس فقط ۱۶ فصل دارد. آمادگی برای خدمت در مرقس فقط در فصل اول مطرح می‌شود. سپس، خدمت جلدی از اواسط فصل اول شروع می‌شود و تا پایان فصل نهم ادامه می‌یابد. این خدمت به طور واضح به عمومی، محدود، خصوصی یا چیزی شبیه به آن تقسیم نشده است.

سپس سفر به اورشلیم را دارید که یک فصل، فصل ۱۰، را به خود اختصاص می‌دهد. هفته آخر سه فصل و حدود ۱۰ آیه را شامل می‌شود، ۱۱:۱، ۱۰:۱۴. سپس خیانت، محاکمه و مصلوب شدن را دارید که فقط دو فصل، کمتر از دو فصل را شامل می‌شود، و رستاخیز، یک فصل، و البته، با توجه به سوال ۱۲ آیه آخر مرقس، فقط هشت آیه برای مطالب پس از رستاخیز.

خوب، این انجیل مرقس است. حالا بیایید سعی کنیم همین کار را با لوقا انجام دهیم. ویژگی‌های لوقا

لوقا، پزشک. نام لوقا تنها سه بار در عهد جدید ذکر شده است. کولسیان ۴:۱۴، فیلیمون ۲۴، و دوم تیموتائوس ۴:۱۱. بنابراین، از بین این سه نفر، متی، مرقس و لوقا، نام لوقا بسیار کمتر ذکر شده است.

با این حال، از این اشارات پراکنده می‌توانیم استنباط کنیم که لوقا پزشک بود و پولس او را دوست می‌داشت، کولسیان ۴:۱۴. اینکه او حتی تا پایان عمر در روم، یار وفادار پولس بود. دوم تیموتائوس ۴:۱۱ تا پایان عمر در روم ادامه دارد. و ظاهراً او غیریهودی بود نه یهودی.

من افراد متعصبی دارم که می‌گویند تمام عهد جدید از یهودیان تشکیل شده است، اما شواهد بسیار محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد لوقا غیریهودی بوده است. آن شواهد چیست؟ خوب، غیرمستقیم است، اما کولسیان ۴:۱۰-۱۴ مجموعه‌ای از سلام‌هایی است که پولس از دوستانش هنگام حضور در کولسی می‌فرستد. و پولس آنها را به دو گروه تقسیم می‌کند.

او در میان آن می‌گوید، اینها همه کسانی هستند که از ختنه‌گاه با من هستند. و سپس به گروه دوم می‌پردازد. واضح است که افراد جلوتر از آنها یهودی هستند.

حداقل چند تا از آنها واضح هستند. او این را برای کل گروه می‌گوید. لوک جزو گروه دوم است.

اگر دوست دارید، او در گروه نامختونان قرار دارد. علاوه بر این موارد، ما فقط سه ارجاع به لوقا به نام داریم، و آنچه را که ما بخش‌های کوچک در اعمال رسولان می‌نامیم، داریم. اینها مکان‌هایی هستند که نویسندگان اعمال رسولان نشان می‌دهد که او در آن نقطه خاص در کنار دیگران در روایت حضور دارد.

نویسنده، در این موارد، با ضمیر اول شخص جمع می‌نویسد، و خودش را نیز در عمل دخیل می‌داند. سه مورد از این مورد در متن قطعی است. اعمال رسولان ۱۰:۱۶-۱۷ سفر تبلیغی پولس.

بعد از اینکه پولس رؤیای رفتن به مقدونیه را دریافت کرد، ما، ادراک شده، و غیره، ما، و غیره، از طریق آن هشت متن اول، به آنجا و غیره می‌پردازد.

سپس گروه شامل پولس، سیلاس، تیموتائوس و نویسنده می‌شود. استفاده از کلمه «ما» از آیه ۱۰ شروع می‌شود و در آیه ۱۷ به پایان می‌رسد و این مربوط به موقعیت جغرافیایی است. آنها در آن زمان در حال سفر هستند.

این نشان می‌دهد که نویسنده در ترواس به گروه ملحق شده و در فیلیپی آنها را ترک کرده است. سپس، در اعمال رسولان ۲۰، آیه ۵، بخش‌های کوچکی دوباره شروع می‌شوند و تا ۲۱:۱۸ ادامه می‌یابند، بنابراین در طول یک فصل. این در مورد سومین سفر بشارتی است.

استفاده از این کلمه در طول این بخش کمی پراکنده است، اما توجه داشته باشید که کلمه «کوچک» در فیلیپی شروع می‌شود. بنابراین، چند سال قبل در فیلیپی تمام شده و اکنون در فیلیپی ادامه می‌یابد. خب، اگر ساده‌ترین فرضیه را در نظر بگیرید، که همیشه درست نیست، این پیشنهاد این است که پولس، لوقا را برای کمک به کلیسای جدید در فیلیپی به آنجا برده و او چند سال بعد، زمانی که پولس از طریق فیلیپی برگشت، هنوز آنجا بوده است.

این نامه از فیلیپی شروع می‌شود و در اورشلیم به پایان می‌رسد. شاید نویسنده نماینده‌ای از کلیسای فیلیپی باشد که هدایای نقدی را به اورشلیم می‌برد. با این حال، او نام خود را در فهرست نمایندگان ذکر نمی‌کند، مگر اینکه لوقا باشد.

به نظر می‌رسد که رسم لوقا این است که در انجیل، در کتاب اعمال رسولان، از خود نامی نمی‌برد. سومین متن کوتاه در اعمال رسولان ۱: ۲۷-۱۶: ۲۸، سفر به روم، آمده است. اینک دو سال دیگر از آن ماجرا می‌گذرد.

داستان از قیصریه شروع می‌شود، جایی که پولس اکنون نزدیک به دو سال است که در زندان است و در روم به پایان می‌رسد. این نشان می‌دهد که شاید لوقا در فلسطین به همراه پولس به اورشلیم رفته و سپس دو سال بعد، در قیصریه، بین سومین سفر تبلیغی و چهارمین سفر او به روم، با او ملاقات کرده است. پیشنهاد من این است که شاید او از این زمان برای تحقیق در مورد مطالب انجیلی که نوشته بود، استفاده کرده است. وقتی که من آنجا بودم و تاریخ لوقا را بررسی می‌کردم، پیشنهاد من این بود که او مطالب مربوط به انجیل را تحقیق کرده باشد.

لوقا آن را نوشت و قبل از عزیمت به روم آماده کرد و شروع به پخش شدن در شرق کرد. ممکن است او نسخه خود را در غرق شدن کشتی گم کرده باشد، اما ما این را نمی‌دانیم، بنابراین این ممکن است توضیح دهد که چرا انجیل دیرتر از شرق در غرب پخش می‌شود. همه اینها حدس و گمان است، ها؟ ما همچنین یک متن نامشخص در اعمال رسولان ۱۱: ۲۸ داریم که در آنچه ما متن غربی می‌نامیم، آمده است و قبل از اولین سفر تبلیغی پولس در انطاکیه است.

این متن به آگابوس، پیامبر انطاکیه، اشاره دارد و در اینجا این عبارت کوچک ممکن است فقط منعکس کننده یک سنت اولیه باشد که پولس اصالتاً اهل انطاکیه بوده است، یا اگر برخی اظهار داشته‌اند که کدکس ییزا و خانواده نسخه‌های خطی غربی در اعمال رسولان، نسخه‌ای کمی متفاوت از اعمال رسولان را نشان می‌دهند، ما نمی‌دانیم که این بدان معناست که حتی ممکن است این گفته خود لوقا باشد که او در زمان حضور آگابوس در انطاکیه حضور داشته است.

لیبرال‌ها تمایل دارند با گفتن اینکه نویسنده اعمال رسولان، که به نظر آنها لوقا نیست، از یک دفتر خاطرات استفاده کرده و عبارات کوچک را به عنوان نقل قول مستقیم استخراج کرده است، اعتبار این عبارات کوچک را کاهش دهند. این طبیعی‌ترین تفسیر از این پدیده نیست، اما این اتفاقات رخ می‌دهد.

خب، ادامه می‌دهیم. هنوز درباره لوک، پزشک، صحبت می‌کنیم. لوک یک پزشک یونانی است.

با توجه به استفاده لوقا از اصطلاحات پزشکی، احتمالاً لوقا در سنت پزشکی یونان آموزش دیده بود. ما چیزهایی در مورد آن می‌دانیم. دو تن از مشهورترین پزشکان یونانی دوران باستان متعلق به مکتب بقراط بودند.

شاید بیشتر ما زمانی آن را شنیده باشیم، سوگند بقراط، سوگندی که پزشکان قبلاً یاد می‌کردند. مطمئن نیستیم که هنوز هم این کار را می‌کنند یا نه، زیرا یکی از آنها این است که در حین تلاش برای درمان مردم، به آنها آسیبی نرسانند. دو پزشک مشهور مکتب بقراط، خود بقراط، قرن چهارم پیش از میلاد، و جالینوس، قرن دوم میلادی، یعنی پس از زمان لوقا، هستند.

برخی از نوشته‌های مکتب بقراط امروزه در دسترس هستند. ما همیشه نمی‌دانیم چه کسی نوشته‌های خاص را نوشته است، و آنها روش‌های کلی خود را به ما می‌دهند. این مردان و همکارانشان مشهور بودند، که با بسیاری از روش‌های دیگر پزشکی در دوران باستان متمایز است، و به دلیل تشخیص از طریق مشاهده و استنتاج مشهور بودند.

یک جنبش پزشکی نسبتاً مهم، چه بگوییم، در دنیای یونانی-رومی در معابد خدای شفا، اسکولاپیوس، اسکولاپیوس به یونانی و اسکولاپیوس به لاتین، وجود داشت و روش تشخیص آنها از طریق پیشگویی بود. اما مکتب بقراطی یونان، تشخیص را از طریق مشاهده و سپس استنتاج از آن، با جمع‌آوری دقیق گزارش‌های موردی، انجام می‌داد، به طوری که یک مکان خاص یا یک پزشک خاص، گزارش‌های موردی زیادی نوشته شده داشت که می‌توانستید آنها را با آنها مقایسه کنید و ببینید، خب، علائم به این شکل هستند، در آن مورد چه اتفاقی افتاده است و از این قبیل. و هرچه بیشتر و بیشتر از این موارد دریافت می‌کنید، اطلاعات ارزشمندی در مورد نحوه درمان بیماری‌های مختلف به دست می‌آورد.

بنابراین، گزارش‌های موردی و فهرست علائم و درمان‌ها به ایجاد تجربه کمک کردند یا حداقل نشان دادند که در انواع مختلف موارد چه کاری نباید انجام دهند. مکتب بقراط همچنین به خاطر درمان‌های ساده‌اش مورد توجه بود. آن‌ها از برخی داروهای گیاهی استفاده می‌کردند؛ رژیم غذایی داشتند، استراحت می‌کردند و تمایل داشتند از چیزهای عجیب و غریب مانند جادو، گذاشتن کود روی زخم‌های سوراخ شده یا دندان مرغ یا چیزهایی از این قبیل دوری کنند.

بحث خوبی در مورد این نوع چیزها در کتاب اس. آی. مک‌میلان و نوه‌اش، دیوید استرن، که فکر می‌کنم در مورد هیچ یک از این بیماری‌ها نیست، آمده است. بحث خوبی در مورد کتاب مقدس در مقایسه با برخی از طب‌های باستانی عجیب و غریب شما وجود دارد. مکتب بقراط همچنین به خاطر استانداردهای بهداشتی بسیار بالای خود شناخته شده بود.

خب، به نظر می‌رسد که لوقا احتمالاً این پیشینه را داشته است. به نظر می‌رسد که او در نهایت انجیل و اعمال خود را که با افرادی که احتمالاً عیسی آنها را شفا داده بود مصاحبه کرده بود، نوشت و این کار را شاید به سبک گزارش موردی انجام داد، بنابراین گاهی اوقات، تعدادی از اصطلاحات پزشکی را که در

معجزات شفابخش خود آورده بود، اگر دوست دارید، ارائه می‌دهد. بسیار خوب، در اینجا چند پیشنهاد دیگر در مورد لوقا آورده شده است.

زادگاه لوقا، هم یوسبیوس و هم جروم از دوران باستان، می‌گویند که لوقا اهل انطاکیه سوریه بوده است. انطاکیه‌های زیادی در سراسر جهان پراکنده بودند، اما انطاکیه معروف همانی است که در سوریه است، که همانطور که می‌گوییم، با آن گونه‌ی یونانی که در متن غربی عهد جدید آمده است، مطابقت دارد. خوب. استفاده‌ی لوقا از اصطلاح هلنیست در اعمال رسولان ۱۱:۲۰ ظاهراً به بت‌پرستان اشاره دارد نه یهودیان.

و ممکن است منظور لوقا از یونانی‌گرا کسی باشد که از نظر نژادی یونانی نبوده اما فرهنگ یونانی را پذیرفته است. و این با بسیاری از شهرهای مختلف مطابقت دارد، اما به خوبی با انطاکیه مطابقت دارد، جایی که سوری‌های زیادی داشتید که فرهنگ یونانی را پذیرفته بودند، و هلنیست‌ها نیز همینطور بودند، اما آنها یهودیان هلنیستی نبودند، باشه؟ بنابراین، شما با این مشکل مواجه هستید که آیا هلنیست‌ها را ترجمه کنید یا یونانی‌ها را در آن قسمت خاص در 11:20. خواندن هلنیست‌ها قطعاً دشوارتر است. ویلیام رمزی، که کارهای زیادی روی پولس انجام داده است، فکر می‌کرد که لوقا اهل فیلیپی بوده است، زیرا لوقا در اینجا باقی مانده و بعداً از آنجا گرفته شده است.

البته، این ممکن است، اما دلیل خاصی برای آن وجود ندارد. بدیهی است که پولس از همکارانش برای کمک به همکاری با کلیساهای اولیه و مواردی از این دست استفاده می‌کرد. رمزی همچنین با کمی گمانه‌زنی ادعا می‌کند که لوقا عامل رؤیای مقدونی پولس بوده است.

شما اینجا در نوشته‌های رمزی کمی رویکرد عقل‌گرایانه می‌بینید، مبنی بر اینکه پولس لوقا را ملاقات کرده و همان شب خواب او را دیده و با او به مقدونیه رفته و غیره. به نظر من این ایده بعید به نظر می‌رسد هرچند لوقا ناگهان در روایت تروآس ظاهر می‌شود. اگر لوقا اهل انطاکیه باشد، ظاهراً یا او را به‌طور تصادفی در تروآس ملاقات می‌کند یا شاید توسط کلیسای انطاکیه فرستاده شده تا پولس را پیدا کند و شاید برای کمک به سفر تبلیغی‌اش پول یا چیزی شبیه به آن بیاورد.

پیشنهاد دیگر در مورد لوقا این است که لوقا برادر تیطوس است. الکساندر سوتر کسی است که این پیشنهاد را مطرح کرده و آن را بر اساس دوم قرن‌تین ۸:۱۸ مطرح می‌کند که بیان می‌کند برادری که در آن به این شکل است NASU آیه ذکر شده است می‌تواند به عنوان برادر او ترجمه شود. این متن در ترجمه

پولس می‌گوید، ما او را همراه خود فرستاده‌ایم، و او درست قبل از آن به تیطوس اشاره می‌کرد. ما برادری را که نامش در انجیل در تمام کلیساهای پخش شده است، همراه او فرستادیم. بنابراین، سوتر خاطرنشان می‌کند که تیطوس شخصیت مهمی در رساله‌های پولس است، اما به طرز عجیبی هرگز در اعمال رسولان از او نامی برده نشده است.

او می‌گوید این مشابه پدیده‌ای است که در انجیل یوحنا می‌بینیم، که در آن نویسنده هرگز از خودش یا برادرش یعقوب نام نمی‌برد. سپس سوتر می‌گوید که لوقا تمام ارجاعات به خودش را به حداقل می‌رساند و ظاهراً احساس می‌کند که ارجاع به برادرش توجه را به او نیز جلب می‌کند. خوب، این هم کاملاً حدسی است زیرا پولس از افراد دیگر به عنوان برادر یاد می‌کند و مرتباً از این اصطلاح به صورت معنوی استفاده می‌کند.

خب، این ما را به سوال هدف و روش لوقا می‌رساند. هدف، ما یک عبارت صریح در لوقا داریم. این در چهار آیه اول آمده است.

هدف لوقا این است که به تئوفیلوس، کسی که در حالت اول، انجیل لوقا را برایش می‌نویسد، اجازه دهد تا از قطعیت یا اعتبار چیزهایی که به او آموخته شده است، آگاه شود. بنابراین، ظاهراً تئوفیلوس حداقل اصول اولیه ایمان مسیحی را آموخته است. بنابراین، هدف لوقا، که در مقدمه، لوقا ۱: ۴-۴، که به زبان یونانی نوشته شده است، آمده است، سبکی حتی طبقه‌بندی‌شده‌تر، دقیق‌تر و هلنیستی‌تر از نوشته‌های معمول اوست.

این مقدمه در مقایسه با سایر مقدمه‌ها و تاریخ‌های دیگر آن زمان، فشرده است، اما او در حال نوشتن یک تاریخ یک جلدی است و یوسفوس در حال نوشتن یک تاریخ هفت جلدی یا بیست جلدی یا چیزی شبیه به آن است. با این حال، مقدمه همان اطلاعات را ارائه می‌دهد و به عنوان تقدیمی برای توضیح چگونگی و چرایی انجام این کار عمل می‌کند. لیبرال‌ها در مورد اصطلاح «قابل اعتماد» نگران هستند، زیرا این اصطلاح به این معنی است که کسی سعی کرده است تا حد امکان تاریخ دقیقی از عیسی در حدود سال ۶۰ میلادی بنویسد.

اگر لوقا موفق شود، الهیات لیبرال به ورطه نابودی می‌رود. عالی‌ترین عنوانی که برای تئوفیلوس استفاده می‌شود، عنوانی است که به مقامات دولتی داده می‌شود. چنین کاربردی در کتاب اعمال رسولان و همچنین در چندین تقدیم‌نامه دیگر کتاب‌های یونان باستان دیده می‌شود.

برای مثال، نوشته‌های جالینوس و رساله اولیه مسیحیان به دیوکتوس هر دو چنین چیزی را دارند. تئوفیلوس، ممکن است مسیحی باشد یا نباشد. نام او چیزی است که ما آن را یک نام تئوفوریک یا خدامحور می‌نامیم، تئوفیلوس، عاشق خدا، و بنابراین برخی گفته‌اند، خوب، این فقط یک نام تمثیلی است، زیرا من این کتاب را برای همه کسانی که خدا را دوست دارند می‌فرستم.

احتمالاً، تمثیل در دنیای یونانی-رومی پی‌سابقه نیست، اما نام‌های خداگونه‌ای مانند نام او در فرهنگ‌های یونانی و یهودی رایج بوده‌اند. بنابراین، می‌توانیم تعداد زیادی از نام‌های تئوفوریک را در عبری عتیق و عهد عتیق و همچنین نام‌های عبری از این نوع را در عهد جدید تصور کنیم. در واقع، ما تعدادی نام خداگونه در عهد جدید داریم که آشکارا نام‌های واقعی نیز هستند.

سه تا از آنها در انجیل یوحنا اول وجود دارد، گایوس، که ظاهراً با گایا، مادر زمین، و دیوتریس، که توسط ژئوس، دئوس ترفیس، تغذیه می‌شود، مرتبط است، و دیگری چیست؟ من آن را از بالای سرم نمی‌آورم. به همین دلیل است که اینجا یادداشت گذاشته‌ام. من نمی‌توانم این چیزها را به خاطر بیاورم.

اما به هر حال، این دو نفر از سه نفر هستند. بنابراین، ما واقعاً نمی‌توانیم صرفاً بر اساس ریشه‌شناسی نام این شخص، استدلال کنیم که او خیالی است. احتمالاً، در هر صورت، لوقا برای این انجیل، دایره‌ی وسیع‌تری را در نظر داشته است.

مخاطبان گسترده‌تر مورد نظر او احتمالاً غیریهودیان تحصیل‌کرده هستند. بنابراین، او با سبکی نسبتاً زیبا می‌نویسد و البته به زبان یونانی می‌نویسد. پیشگفتار لوقا نه تنها در مورد هدف او، بلکه در مورد روش او نیز به ما می‌گوید.

اول از همه، به ما گفته شده است که لوقا در زمان نگارش این کتاب از وضعیت موضوع خود آگاه بوده است. بسیاری اقدام به تهیه گزارش‌هایی در این مورد کرده‌اند. خوب، این در مورد چیست؟ خوب، تا آنجا که به انجیل‌های رسمی مربوط می‌شود، در آن زمان نمی‌توانسته بیش از دو انجیل نوشته شده باشد.

یوحنا قطعاً متأخرتر است و اگر دوست دارید، لوقا هم در حال نوشتن سومین انجیل است. خوب، منظور از بسیار «چيست؟ احتمالاً اصلاً به انجیل‌های رسمی اشاره ندارد، بلکه به این واقعیت اشاره دارد که» حواریون، ابتدا در اسرائیل و سپس در بخش شرقی امپراتوری روم، سفر می‌کردند. مردم از آنچه آنها می‌گفتند هیجان‌زده بودند و سعی می‌کردند آنچه پطرس یا پولس یا شخص دیگری در یک مکان خاص می‌گفت را بنویسند.

و با شنیدن فقط یک مشت حکایت، واقعاً نمی‌توانم چیز خیلی رضایت‌بخشی را کنار هم بگذارم، زیرا اطلاعات یا ارتباط کافی ندارند. و این برداشت من از آنچه در آنجا می‌گذرد است. لوک می‌گوید که خودش تمام مطالب مرتبط را با دقت مطالعه کرده است.

او می‌گوید که آنها را از ابتدا مطالعه کرده است، که احتمالاً اشاره‌ای به موضوع اصلی است تا اینکه لوقا از ابتدا با عیسی بوده باشد. این امکان وجود دارد، اما من فکر می‌کنم بعید است. لوقا با اولین وقایع زمینی شروع می‌کند.

، او به بشارت زکریا برای تولد یحیی تعمید دهنده و غیره برمی‌گردد. او می‌تواند به طور جایگزین، مکان آغازین، یعنی فلسطین را در نظر بگیرد. می‌توان با زیستن در میان وقایع یا با مطالعه دقیق داده‌های موجود در آینده، تاریخی ساخت.

روش تاریخی معمول، مطالعه داده‌های موجود را بعداً آغاز می‌کند، صرفاً به این دلیل که افراد زیادی در صحنه حضور ندارند، معمولاً در یک مورد خاص. بنابراین، لوقا این کار را انجام می‌دهد، اما سوماً می‌بینیم، که لوقا از مطالبی استفاده کرده که توسط گروهی که به عنوان شاهدان عینی و مبلغان کلام تعیین شده‌اند ارائه شده است. این افراد بدیهی است که شامل حواریون و سایر کارکنان تمام وقت، مانند شاید حدود ۷۰ نفر که شاهدان عینی نیز بوده‌اند، می‌شوند.

استفاده از یک حرف تعریف برای این دو اصطلاح نشان می‌دهد که این گروه به عنوان یک واحد در نظر گرفته می‌شود که هر دو ویژگی را دارد. من خیلی اصرار نمی‌کنم، اما او این را به عنوان یک گروه در کنار هم می‌بیند. لوقا احتمالاً با افراد زیادی که شفا یافته‌اند یا در موقعیت‌های مختلفی که روایت می‌کند، حضور داشته‌اند، مصاحبه کرده است.

پیشنهاد من این است که لوقا نیز ممکن است از زمان لوقا با مریم مصاحبه کرده باشد و مطالب مربوط به تولد، دیدگاه مریم را نشان می‌دهد. این احتمال وجود دارد که او هنوز در دهه ۵۰ زندگی خود زنده باشد شاید در آن زمان ۷۰ یا ۸۰ سال داشته باشد. سپس لوقا به ما می‌گوید که او روایتی منظم، متوالی و دقیق نوشته است و این باید برای مسیحیان دلگرم‌کننده باشد.

بدیهی است که تمام ادعاهایی مانند موارد فوق، لیبرال‌ها را دوباره تا حدودی عصبی می‌کند. این انجیل که به ما گفته شده است، به زبان یونانی توسط روشنفکر آموزش‌دیده غیریهودی نوشته شده است که شخصاً روایت‌های شاهدان عینی را بررسی کرده است. این کاملاً قابل توجه است.

بنابراین، راه کلی برای فرار از این موضوع این است که بگوییم، خوب، همه نویسندگان چیزهایی مثل این را در - ابتدای نوشته‌هایشان قرار می‌دهند. اما در جایی که لوقا قابل آزمایش است، او کاملاً چشمگیر بوده است - برخی از ویژگی‌های لوقا.

نکات برجسته انجیل لوقا. می‌توان ویژگی‌های متعددی را نام برد که به نظر می‌رسد از نکات برجسته انجیل لوقا باشند. در اینجا به جهانی بودن اشاره خواهم کرد.

این به معنای کلیسای یونیورسالیست توحیدی نیست، جایی که همه قرار است نجات یابند، بلکه به معنای یونیورسالیسم است. انجیل برای همه نوع مردم است. فقط برای یهودیان نیست.

این فقط مختص افراد طبقه متوسط یا ثروتمند و غیره نیست. لوقا تأکید غیرمعمولی بر هر دو گروه یهودیان و غیریهودیان، ثروتمندان و فقرا، مردان و زنان، افراد محترم و مطرودان دارد. در واقع، لوقا بر نگرش لطف‌آمیز عیسی نسبت به مطرودان جامعه تأکید می‌کند.

خطاب به گناهکاران بدنام، جذامیان، سامریان، فاحشه‌ها، باجگیران و غیره. لوقا همچنین تأکید قابل توجهی بر دعا دارد. تعداد بیشتری از دعا‌های عیسی و تمثیل‌های عیسی در مورد دعا در لوقا نسبت به سایر انجیل‌ها آمده است.

لوقا تأکید قابل توجهی بر روابط اجتماعی، به ویژه علاقه به ثروت و فقر دارد. چرا لوقا بر این روابط خاص تأکید کرده است؟ ما نمی‌دانیم. ما آنجا نیستیم.

شاید به این دلیل که این‌ها برای مخاطبان او جذاب بودند. فیلسوفان یونانی دوره عهد جدید، برخلاف فیلسوفان اولیه یونان، افلاطون، ارسطو، سقراط و غیره، بسیار به اخلاق اهمیت می‌دادند. بسیاری از یونانیان فرهیخته آن دوره نیز به اخلاق علاقه‌مند بودند و از آنچه که به طور دقیق، فکر می‌کنم، به عنوان فساد روم و زیر پا گذاشتن فقرا توسط افراد متکبر و از این قبیل می‌دیدند، ناراضی بودند.

، بنابراین، ممکن است این چیزی باشد که ما اینجا می‌بینیم. همانطور که ما مطالبی را که مختص متی است، طرح می‌کنیم، مطالبی را نیز که مختص لوقا است، در اینجا طرح می‌کنیم. اول از همه، و تا حدودی شگفت‌آور، لوقا انجیلی بسیار غیریهودی‌تر، اگر دوست داشته باشید، نسبت به متی دارد، و برخی از مزامیر ستایشی سامی را حفظ کرده است.

در واقع، اینها بسیار سامی هستند، اگرچه در غیر این صورت انجیل لوقا کمترین میزان سامی بودن را در بین چهار انجیل دارد. نام‌های لاتین داده شده برای این مزامیر ستایش خاص از اولین کلمات متون آنها گرفته شده و احتمالاً از یونانی به لاتین ترجمه شده‌اند و حتی نوعی روش عبری برای نامگذاری کتاب‌ها و آثار و وجود دارد Magnificat چیزهایی از این دست را نشان می‌دهند. بنابراین، در لوقا ۱:۴۶-۵۵ کلمه

، مریم نگران این است که در خانه الیزابت چگونه از او استقبال می‌شود و به خوبی از او استقبال شده است، زیرا الیزابت از قبل از آنچه مخفیانه به مریم آشکار شده بود، آگاه است و یحیی تعمیم دهنده با سلام مریم در رحم او می‌پرد. بنابراین، مریم خدا را ستایش می‌کند و مگنیفیکات، کلمه لاتین برای ستایش، باشه، من ستایش می‌کنم. سپس بندیکتوس، لوقا ۱:۶۸-۷۹ وجود دارد که در آن زکریا پس از تولد یحیی خدا را ستایش می‌کند و جلال لوقا ۲:۱۴، سخنان فرشتگان در هنگام تولد عیسی، جلال بر خدا در اعلی‌علین و غیره.

این در واقع کمی کوتاه است تا از نظر فنی یک مزمور باشد، اما به خوبی با نوع تکرارهایی که اغلب در مزامیر آمده است، مطابقت دارد. و سپس، چهارم، نبوکدنصر اکنون در لوقا 2: 29-32 اجازه عزیمت می‌دهد. دعای شمعون پس از دیدن عیسی به او گفته شده بود که قبل از مرگش مسیح را خواهد دید و اکنون او عیسی نوزاد را در آغوش گرفته و آماده عزیمت است. انجیل لوقا از نظر داشتن تمثیل‌ها متمایز نیست. هر سه انجیل هم‌نوا دارای تمثیل هستند و انجیل یوحنا نیز عملاً همین را دارد، اگرچه او در جایی که به آنها اشاره استفاده می‌کند paroimia می‌کند از کلمه.

دو نوع کلی از تمثیل‌ها در انجیل‌ها وجود دارد که می‌توانیم آنها را تمثیل‌های داستانی بنامیم که به طور کاملاً مناسبی با عبارت «داستان‌های زمینی با معنای آسمانی» به عنوان یک دو سطح، اغلب حتی یک داستان دنیوی و سپس یک اهمیت معنوی که دارد، مشخص می‌شوند.

گندم و علف‌های هرز نمونه‌ای از چنین داستان کشاورزی زمینی در مورد دشمن یک زمین‌دار است که سعی می‌کند با خراب کردن محصولش به او حمله کند، اما اطلاعاتی در مورد پیشرفت انجیل ارائه می‌دهد. و سپس تمثیل‌های تصویری، تمثیل‌های نمونه یا تمثیل‌های الگو نیز نامیده می‌شوند. این تمثیل‌ها منحصر به لوقا هستند. یک گزینه احتمالی در متی، متی ۱۲:۴۳-۴۵ وجود دارد و قطعاً یک نمونه مشابه در عهد عتیق وجود دارد، اما این‌ها معنا را از فیزیکی به معنوی یا دنیوی به مذهبی یا چیزی شبیه به آن منتقل نمی‌کنند. در عوض، آن‌ها نمونه‌ای از حقیقت معنوی را در عمل به تصویر می‌کشند و ما باید این اصل را با اشاراتی در متن تعمیم دهیم.

چند نمونه از این تمثیل‌های نمونه یا الگو. سامری نیکوکار آگوستین سعی کرد این را به یک داستان تمثیلی تبدیل کند که در آن مردی از اورشلیم به اریحا به شکل آدم می‌رود و در میان دزدان می‌افتد، شیطان در کمین، اوست و عیسی سامری نیکوکار است و کلیسا مهمانخانه است و او برخی از کاربردهای مقدس روغن و غیره شراب را کشف می‌کند، اما خود متن نشان می‌دهد که فکر می‌کنم این در واقع نمونه‌ای از معنای همسایه بودن است، معنای رفتار همسایه با کسی و پاسخ به سوال فریسیان است که همسایه من کیست؟ پاسخ این است: هر کسی که نیازمند است و اصل این است که شما هم همین کار را بکنید. بنابراین، یک مثال خوب از یک تمثیل نمونه. نمونه‌ای از این حادثه فاجعه‌بار خاص در مورد چگونگی همسایه بودن، اگر دوست دارید.

مثال دیگر، مرد ثروتمند ایلعازر است، نمونه‌ای از آنچه پس از مرگ اتفاق می‌افتد و یک نمونه خاص، مردی به فقیرترین شکل ممکن و مردی به ثروتمندترین شکل ممکن را انتخاب می‌کند و می‌گوید وقتی آنها می‌میرند جایگاهشان برعکس می‌شود، قبل از اینکه مرد ثروتمند در عمارت خود مشغول جشن گرفتن باشد و ایلعازر، فقیر بیرون با سگ‌ها و زخم‌ها و غیره باشد و سپس ناگهان با مرگ، ایلعازر در آغوش ابراهیم جشن می‌گیرد درست مانند یحیی در آغوش عیسی در شام خداوند. اگر دوست دارید، مرد ثروتمند سابق بیرون در حال گدایی است. خب، افرادی هستند که می‌خواهند این را به یک داستان تمثیلی تبدیل کنند، شاهدان قطعاً این کار را می‌کنند تا بتوانند از ایده جهنم و وجود آگاهانه بین مرگ و رستاخیز و غیره خلاص شوند. فریسی و باجگیر نمونه‌ای از غرور و فروتنی هستند. ثروتمندان نمونه‌ای از افرادی هستند که برای زندگی بعدی هیچ آمادگی ندارند.

کمی متفاوت است، اما من تمثیل صندلی‌های ضیافت در لوقا ۷:۱۴-۱۱ را در همان دسته قرار می‌دهم، نمونه‌ای از نتیجه خودخواهی. شخصی خودخواهانه سعی می‌کند جای بزرگی را در ضیافت بگیرد، اما معلوم می‌شود که میزبان کسی مهم‌تر از او را دعوت کرده است و بنابراین او را بیرون می‌کنند و تا زمانی که همه این صندلی‌های دیگر اشغال شوند، او به پایین‌ترین نقطه می‌رسد، اگر دوست دارید. مورد دیگر در همین زمینه، میزبان ضیافت در لوقا ۱۶:۱۴-۲۴ است که نمونه‌ای از مهمان‌نوازی است.

چه کسانی را به ضیافت‌هایتان دعوت می‌کنید؟ نه همه ثروتمندان به شما پول می‌دهند، نه همه دوستانان بلکه فقرایی که نمی‌توانند به شما پول بدهند، پس آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، خدا خیلی بهتر به شما پول می‌دهد، ها؟ چرا این نوع تمثیل مختص لوقا است؟ نمی‌دانم، لیبرال‌ها می‌گویند که حلقه‌های مختلف سنت انواع مختلفی از تمثیل‌ها را اختراع کرده‌اند، انواع مختلفی از مطالب، اما این واقعاً مشکل را حل نمی‌کند. هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم در چنین گروه‌های منزوی در کلیسای اولیه، شاید یک مدل بهتر این باشد که عیسی مبتکر بوده و از انواع مختلف، سبک‌های مختلف برای مخاطبان مختلف استفاده کرده است. ظاهراً لوقا بر این مطالب تأکید کرده است زیرا به طور خاص از آن قدردانی می‌کرد. ثروت و فقر و چیزهایی از این قبیل در آنجا به شدت خود را نشان می‌دهند.

برخی معجزات منحصر به لوقا هستند. این معجزات معمولاً مربوط به زنان است، مانند زنده کردن پسر بیوه، نائینی، شفا دادن زن ناتوان و غیره. و سپس بخشی که نسبتاً منحصر به فرد است، اگر دوست داشته باشید روایت خدمت پاریا است. پاریا، منطقه‌ای عمدتاً یهودی‌نشین در شرق رود اردن، که احتمالاً پس از اسارت بابلی، احتمالاً پس از بازگشت از تبعید، حتی پس از دوره مکابیان، عمدتاً محل سکونت یهودیان بوده است. خب، ما یک طرح کلی سریع از لوقا ارائه می‌دهیم و این مطالب ما در مورد ویژگی‌های انجیل‌های هم‌نوا را به پایان می‌رساند. لوقا فقط یک مقدمه کوتاه چهار بیتی دارد، اما هیچ یک از انجیل‌های دیگر چیزی کاملاً مشابه آن ندارند.

شاید کتیبه روی جلد مرقس، ابتدای انجیل عیسی مسیح، پسر خدا، اگر دوست دارید، تولد و نوزادی باشد که حداقل از نظر ساختار و مکان با متی موازی است، اما شامل نوزادی تولد و نوزادی یوحنا نیز می‌شود و سپس بخش آماده‌سازی، شجره‌نامه را در خود جای داده است. متی شجره‌نامه او را در ابتدا دارد. سپس ما خدمت جلیل را داریم که از اواسط فصل ۴ تا تقریباً پایان فصل ۹ را در بر می‌گیرد و سپس یک بخش بزرگ دارد، ده فصل از سفر به اورشلیم و خدمت پاریایی. بقیه فصل‌ها فصل بهتری برای سفر به اورشلیم دارند و صریحاً به خدمت پاریایی اشاره نمی‌کنند. لوقا حدود سه فصل دارد، دو فصل در مورد هفته آخر و دو فصل در مورد محاکمه خیانت و مصلوب شدن و یک فصل در مورد رستاخیز و در آن زمینه‌ها به شدت با سایر انجیل‌های هم‌نوا مشابه است.

خب، این مرور سریع ما از ویژگی‌های انجیل‌های هم‌نوا است و فکر می‌کنم در آنجا متوقف خواهیم شد. از توجه شما متشکرم